

اول شهریور، روز سپیدجامگان طبابت



سرهنک پزشک حمیدرضا اسماعیلی

آغاز سخن با شعری زیبا از ژاله اصفهانی است که در سال ۱۳۵۹ اینچنین در مدح ابوعلی سینا، سَنبل روز پزشک سروده است:

بزرگوارا، ابوعلی سینا

شما که نابغه علم و دانش و هنرید

شما که پیکِ شفایید و مظهرِ قانون

هزار سال پزشک و معلم بشرید

سخنور یکتا،

ز هرچه ژاله بگوید شما بزرگترید

شما نمونه انسانِ جاودان هستید

و تا جهان برجاست، سوارِ فاتحِ گردونه زمان هستید

اول شهریور روز بزرگداشتِ بزرگ مردانِ علمِ طبابت است. طبیبان و پزشکان این آب و خاک. سپیدجامگان عرصه سلامتی و تندرستی. ما هرچه داریم ز فیضِ نظر و دَمِ مسیحایی این انسانهاست. قُدما گل گفته‌اند که عقل سالم در بدن سالم است. حافظ شیرین سخن می‌فرماید:

طبيبِ عشق، مسیحا دَم است و مُشفق، لیک چو درد در تو نبیند، که را دوا بکند
شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا سَنبل روز پزشک است ولی نباید پنداشت که در طول تاریخ علم،
بزرگ مردانی مثل ایشان کم بوده‌اند. خیر، این مرز و بوم هزاران هزار ابن‌سینا و رازی بخود
دیده است که اگر برای هرکدام یک روز در تقویم کشورمان درنظر بگیریم، روزهای سال
جوابگوی قدردانی و بزرگداشت این عزیزان نمی‌توانند باشند.

تک تک این طبیبان در طول تاریخ همت گماردند و تلاش کردند تا علم پزشکی را تکمیل کرده و در اختیار خلق قرار دهند و با این کار در سلامت جامعه کوشیده‌اند. و اینکه یک نفر را نماد پزشکی بدانیم شاید نادیده انگاشتن زحمات پزشکان دیگر باشد.

هیچ طبیبی ندهد بی مرضی حَبّ و دوا من همگی درد شوم تا که به درمان برسم
(مولوی)

پیامبر اکرم فرموده اند: الْعِلْمُ عِلْمَان، عِلْمُ الْاَدِیَان و عِلْمُ الْاَبْدَان
اگر در عمق این حدیث غور کنید، متوجه می‌شوید که علم‌الادیان، علمی است که زنگار از دل انسان می‌زداید و او را در رسیدن به رضای پروردگار یاری می‌رساند. و علم‌الابدان، دانشی است که به قول بزرگان طب، تندرستی در تن نگاه دارد و در صورت زوال، آنرا به تن بازگرداند. پس تا علم‌الابدان تندرستی به تن نیاورد علم‌الادیان چگونه تواند چراغ راه سیر ملکوتی جسم بیمار گردد. پس علم‌الابدان ارجح است بر علم‌الادیان. که این نکته در ماجرای همه گیری ویروس کرونا نمود پیدا کرد.

این نکته را ادیان دیگر هم قبول نموده و در کتب خویش اظهار داشته‌اند.

در کتاب راسته (آموزه پزشکی مُغان زردشتی) آمده است:

مُغِ آراستارِ خیم (خوی و طبیعت) است و پزشکِ آراستارِ چهر. با ابزارِ پرهیز و درمان، تنِ مردمان به درستی پادن (کار دُرُستبُدن) و بیماریِ مردمان درمان بردن (کار پزشک) ...
همچنین در نسخه‌ای خطی که ترجمه کتابی است از طبیبی یهودی بنام زردگلیم از سده ۵ هجری چنین آمده است:

«علم دو است، یکی علم تن و یکی علم دین. اول، تن گفت بهر آنک بی تندرستی هیچ مرد طاعت و فرائض بجای نتواند آورد و مردم در بیماری از همه امر و نهی بازمانند و به هیچ طاعت مشغول نتوانند شدن. و نخستین رسول که از خلاق به خلاق آمد، طبیب بود تا زهر از بازهر بدانست و مردم آگاه کرد از آن چیزها که هلاکِ ایشان در آن بودی تا از آن پرهیز بدیدی و نخوردندی. و چیزهایی که نفع ایشان و راحت در آن بودی بکار داشتندی. و شکر ایزد تعالی بگذاردندی. و به عالم اندر صنعتی نیست بهتر و بکاراینده‌تر از پزشکی، که صلاح نفس خویش و آن خلقان در آنست.

گفتار خود با شعری نغز از مولوی به پایان می‌برم که فرموده‌اند:

چنانک از رنگِ رنجوران طبیب از عِلّت آگه شد ز رنگ و روی چشم تو به دینت پی بُرد بینا